

میل دل

دلبر نازنین چه ناز کنی
گر دل شیفته است منظورت
حیف نبود که دل بری و سپس
گره کار دل به ناخن تست
اگر آن چشم دلفریبت را
از تغافل کمی بهره‌یزی
همچنان کار سهل باشد اگر
به تظا هر کنان نیا می‌زی
بگذر از عیب و خورده گیری‌ها
زیر دل میل عاشقی داری
شور مستیست در حریم دلت
گر به میل دل اعتنا نکنی

داستان غمم دراز کنی
شیفته دل همین تو ناز کنی
بی سرانجامیش جواز کنی
تو توانی بدست باز کنی
اندکی نیز دلنواز کنی
فکر قلب پر از نیاز کنی
چین ز ابروی خویش باز کنی
دشمن و دوست امتیاز کنی
از چه عذر و بهانه ساز کنی
لیک در ظاهر احتراز کنی
با یدت گوش و دیده باز کنی
بی جهت شام غم دراز کنی

ابوالقاسم غضنفر

۸ جون ۱۹۹۴

بلومینگ‌دیل ، نیوجرسی